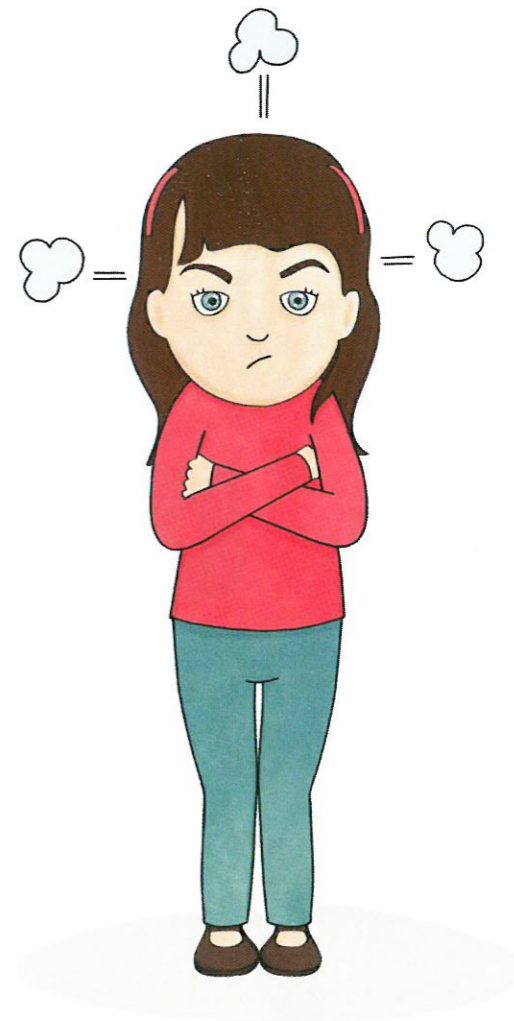


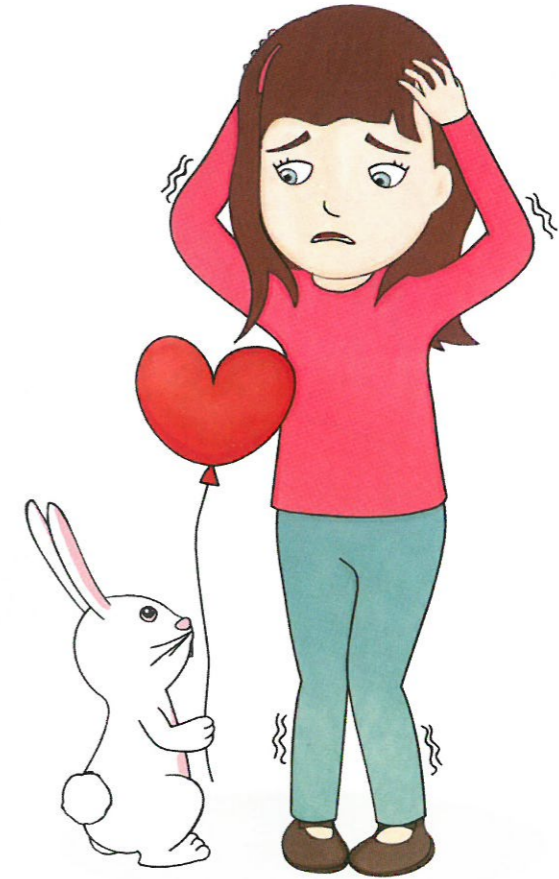


اما من قوی هستم، شجاعم و می‌توانم خیلی کارها را انجام بدهم!

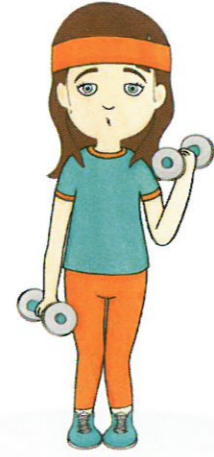
گاهی وقتها فکر می‌کنم نمی‌توانم بعضی کارها را بکنم، چون هنوز بچه‌ام،



وقتی یک حیوان خانگی جدید می‌گیریم، خیلی خوشحال می‌شوم اما مراقبت از حیوانات خانگی مسئولیت خیلی سنگینی است؛ به همین خاطر، کمی احساس نگرانی می‌کنم. یعنی می‌توانم این کار را بکنم؟



می‌توانم خودم را برای مسئولیت‌هایم آماده کنم.



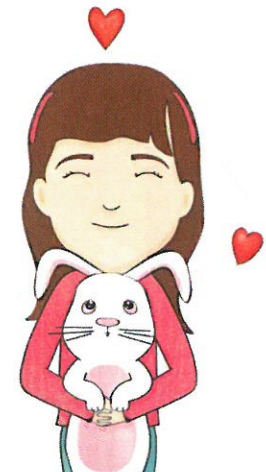
می‌توانم بازی کردن با یک حیوان خانگی را با عروسک‌هایم تمرین کنم.



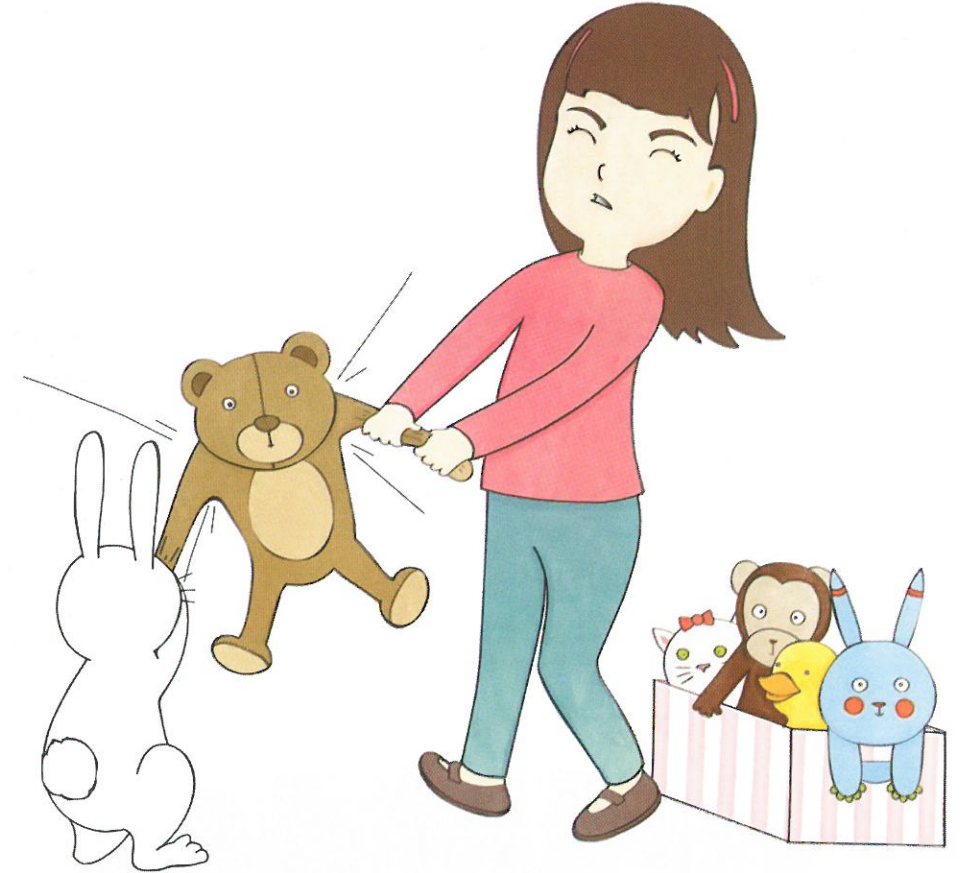
می‌توانم مطمئن شوم که حیوان خانگی‌ام آب و غذای کافی دارد.



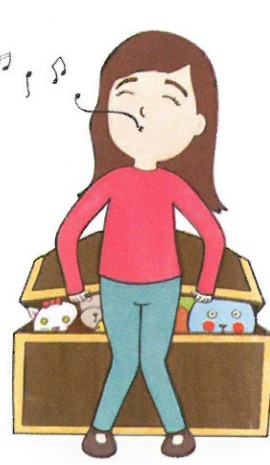
من می‌توانم یک حیوان خانگی داشته باشم. می‌توانم!



من از این که اسباب بازی‌ام را به دوستم بدهم، خیلی ناراحت می‌شوم.
یعنی می‌توانم این کار را بکنم؟



می‌توانم همه‌ی چیزهایی را که
دوست دارم، قایم کنم.



می‌توانم روی
اسباب بازی‌هایم دراز بکشم
و خودم را به خواب بزنم.



می‌توانم راهی پیدا کنم که
اسباب بازی‌ام را به دوستم
بدهم و ناراحت نشوم.



من می‌توانم اسباب بازی‌ام را با دوستم شریک بشوم.
می‌توانم!

